

تاملی بر ابعاد و موانع اجتماعی اشتغال زنان

چکیده

اشتغال یکی از مباحث مهم عصر حاضر در جهت گسترش مشارکت اجتماعی و اقتصادی فعالیت زنان است؛ که تغییرات بسیاری در ساختار ارزشی، فرهنگی و هنجاری خانواده و جامعه بوجود آمده است؛ و نظام آموزشی و عرصه حوزه "عمومی / خانگی کار" را تحت تاثیر خود قرار داده است. اشتغال زنان و شکل گیری توانمندیهای این جنس در جامعه در توسعه اقتصادی همراه با افزایش درآمد ناخالص ملی، سطح درآمد خانواده، حمایت اقتصادی از خانواده و احراز سیستم های مدیریت بسیار حائز اهمیت است. از بعد اجتماعی اشتغال زنان در کنترل جمعیت، کاهش باروری، افزایش سطح آگاهی خانواده و تغییر نگرشهای خانواده نسبت به فعالیت اشتغال زایی زنانه در عرصه عمومی کار نقش بسزایی در توسعه اجتماعی جامعه داشته است. با این حال موانع بیولوژیکی و شخصیتی با تأکید بر ناتوانی فیزیکی و بنیه جسمی در زمینه فعالیت اشتغال زنان، وجود موانع فرهنگی چون تعصب، پیشداوری، تسلط قدرت مردان و عدم توجه به فعالیت کار زن در جامعه هنوز یافت شده. وجود موانع اجتماعی چون عدم توجه به آموزش زنان، تمایز کاری میان اشتغال "زنان / مردان" و..... در شکل گیری عدم اشتغال این جنس در جامعه نقش بارزی داشته است؛ همچنین وجود موانع اقتصادی چون عدم دستمزد برابر، سطح اختلاف دستمزدها، نابرابری درآمدها، نوع مشاغل و استثمار شغلی موجب شده که نوعی ناپایداری در عرصه توسعه اشتغال زنان در جامعه بوجود آید.

کلید واژه

اشتغال - توسعه اقتصادی / اجتماعی - زنان - موانع بیولوژیکی / اجتماعی - موانع فرهنگی / اقتصادی

مقدمه

جامعه شناسان زندگی انسان را به سه بخش تقسیم کرده اند " کار - فراغت - ضرورت"، انسان ها تمام زندگی اجتماعی شان به این سه بخش خلاصه می گردد. کار بعنوان یکی از فعالیت های اجتماعی زندگی انسان است؛ که جنبه اشتغال زایی و درآمدی برای گذران فراغت و رفع ضروریات داشته است. بطور کلی در نگرش جوامع، این فعالیت بیشتر بازتاب مردانه داشته؛ و فعالیت کار زنان خانگی و خارج از حوزه عمومی جامعه بوده است. پژوهش های که از سوی پیروان زنان "Feminism" صورت گرفته استدلال کرده اند که فعالیت و اشتغال زنان در حوزه عمومی نه برای رفع نیازهاست، بلکه بیشتر برای برآوردن نیازهای مهم عاطفی و هویت خودشان شکل گرفته است. امروزه اشتغال زنان یکی از توانمندیهای جامعه حاضر ایران به حساب می آید؛ که ساختار فعالیت اقتصادی جامعه را تحت تاثیر خود قرار داده است؛ و امروزه چنین توانمندیهای در توسعه اقتصادی و اجتماعی نقش اساسی داشته است.

طرح مسأله

بخشی از تلاش های زنان در عصر حاضر فعالیتهای اشتغال زایی آنها است، بر این اساس جوامع امروز به این پیامد اجتماعی نگاه ویژه ای دارند، که این مسأله در توسعه جامعه نقش مهمی داشته است. در حال حاضر در جامعه ما که به سمت توسعه یافتگی با رشدی شتابان در حال حرکت است، پس مهمترین ابعاد و موانع اساسی در توسعه اشتغال زنان چه می باشد؟

اهمیت موضوع

اشتغال امروزه یکی از پیامدهای اجتماعی و اقتصادی جامعه ایران است، ساختار سنی جامعه ایران جوان گرا بوده است؛ و پتانسیل های بی شمار برای خلق، نوآوری و خلاقیت در عصر حاضر دارد. مشارکت زنان در امر اشتغال یکی از پیامدهای اساسی گسترش توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه محسوب می گردد. ساختار جامعه جنسیتی ایران در عرصه اشتغال امروزه نامتوازن می باشد؛ توانمندی های اجتماعی، روانی، اقتصادی، فنی و مهندسی زنان بر این حالت تأثیر گذاشته است. بر اساس این توانمندی ها زنان وارد عرصه حوزه عمومی کار شده اند و بخشی از پیکره فعالیتهای اشتغال زایی جامعه بدست این جنس اجرا و طراحی می گردد. بر این اساس «کار زنان یکی از شاخص های توسعه اقتصادی اجتماعی در کشورهای پیشرفته است این امر تلاشی همگانی در جهت به ثمر رساندن اهداف اجتماعی جوامع صنعتی است که به این مسئله رسیده اند و در کشورهای در حال توسعه به سمت این فرایند در حال حرکت می باشند.» «سفیری، ۱۳۸۳: ۱۹۸»

اشتغال زنان و توانمندی های آنان تغییرات بسیار وسیعی را در ساخت شغلی جامعه ایران در حال حاضر ایجاد کرده است؛ امروزه نظام ارزشی ساختار خانواده ایرانی از سمت سنتی به سمت مدرن حرکت کرده است، اکثر خانواده های ایرانی اشتغال زن را جزء نموده های بارز ساختار خانوادگی خود تلقی می کنند، حتی این فرایند در توزیع نقش ها، پایگاه های اجتماعی همسران و روابط زن و شوهر تأثیرات مهمی بر جای گذاشته است و ساختار سنتی خانواده را متحول کرده است. امروزه با توجه به این پتانسیل که در عرصه فعالیت های زنانه بوجود آمده، بیشتر نقش های زنان به سایر نهادهای اجتماعی چون "مدرسه، وسایل ارتباط جمعی و....." سپرده شده است.

از نظر گرسن زنان از نظر اشتغال چهار مسیر را در طول زندگی ها می گذرانند «اول مسیر سختی که برخی زنان هنوز از آن پیروی می کنند. آنها مادر تمام وقت اند و اگر هم کار کنند اینها دوره های کوتاهی در خارج از خانه مشغول کار می شوند. برای آنها مادر بودن شغلی به شمار می آید که از آن رضایت دارند. دسته دوم میان بیش سنتی و چشیدن طعم شغلی خوب در خارج از خانه مردند. هم جاه طلبی شغلی دارند و هم احساسات دوگانه در برابر مادری، ممکن است در سنین زیر ۲۰ سالگی یا آغاز ۲۰ سالگی ازدواج کرده باشند و پس از ازدواج یا طلاق گرفتن، وارد بازار کار شده باشند. دسته سوم مسیر غیر سنتی را انتخاب می کنند و از همان آغاز خواهان کار، در ازای حقوق در خارج از خانه هستند. بدین ترتیب می کوشند ترتیبی بدهند که در کنار وظایف خانوادگی هم کار بکنند. دسته چهارم زنانی هستند که با بر باد رفتن آرمانهای شغلی خود خانه را پناهگاه و گریزگاه می دانند، این دسته ممکن است در آغاز با امیدهای فراوان وارد دنیای کار شوند، اما پس از سرخوردگی به خانه روی آورند.» «توکلی خمینی، ۱۳۷۵: ۱۰۳»

برخی از زنان جامعه ما در این فرایند در مرحله اول قرار دارند، و با گذران کلاس های آموزشی کوتاه مدت مشغول به فعالیت اشتغال زایی برای مدتی کوتاه شده اند؛ و مجدداً به سمت خانه روانه می شوند و فعالیت کاری را قطع می کنند؛ و برای این خانواده مادری کردن و تربیت فرزندان مهمترین شغل است.

ساختار خانوادگی چنین زندگی های نتوانسته با ساختارهای جدید اجتماعی جامعه وفق داده شود، با مشاهده کوچکترین تغییرات در ساختار خانوادگی تمایل به حالت اولیه و حفظ ساختار سنتی خانواده بیشتر اهمیت دارد؛ و بیشتر این خانواده ها به دنبال حفظ ساختارهای محافظه کارانه و سنتی می باشند برخی از زنان هم در ایران هر دو ساختار را با هر گونه سختی ادامه میدهند؛ هم در عرصه حوزه عمومی و هم در عرصه حوزه خصوصی (خانوادگی) کار می کنند ؛ فعالیتهای این دسته از زنان با شروع یک ازدواج یا طلاق شخص می گردد.

برخی از فعالیتهای اشتغال زنان جامعه ما هم با شکستن ساختار سنتی و با کسب هر گونه پتانسیل اجتماعی و اقتصادی وارد عرصه حوزه عمومی کار شده و آن را بصورت حرفه ای دنبال می کنند امروزه این دسته از زنان بیشتر در عرصه حوزه عمومی با توجه به کسب سرمایه های اجتماعی و فرهنگی به دنبال ابراز هویت و نیازهای عاطفی می باشند؛ دختران و زنان جوان ما در حال حاضر به این گونه فعالیت های اشتغال زایی در جامعه روی آورده اند و ساختارهای خانواده را تحت تأثیر قرار داده اند. در واقع این دسته از افراد فعالیت اشتغالی را در جامعه یک پتانسیل اجتماعی قوی برای ابراز هویت زنانه و به تأثیر گذاشتن توانمندی های مختلف خود در برابر نگرش مردانه دانسته اند. این دسته از زنان هم ممکن است در جامعه به دلیل داشتن پتانسیل قوی مورد نظر واقع شوند و با هر گونه سرخوردگی مواجه شوند به سمت خانه و خانواده روی آورند؛ اما دست از تلاش برای اینکه بتواند نیاز عاطفی و هویت خود را بروز دهند بر نداشته و امیدوارانه در جهت انجام این هدف، هر گونه فعالیتی را با تمام توان قدرت انجام می دهند .

پس باید بیان کرد که در جامعه ما « زنان از اواخر قرن گذشته و در طول انقلاب مشروطه ورود چشم گیری به زندگی اجتماعی داشتند که به رغم نقش پر اهمیت آنها در بسیاری از مقاطع تاریخی به دلیل همان مقاومت نسبی نمی توانست تداوم داشته و به نهادی شدن این مشارکت منجر بگردد با این وصف مقاومت سنتی با تحول اشکال زندگی به خصوص با ورود تکنولوژی جدید و مناسبات تازه اقتصادی به تدریج از هم شکسته شد . خانواده گسترده در روند طولانی کم و بیش از نیم قرن به درازا کشید و در پی شهری شدن هر چه بیشتر جامعه به خانواده های هسته ای تبدیل شد. تقسیم کار اجتماعی به همان منطقی که جامعه صنعتی در زادگاه خود به وجود آورده بود در اینجا سبب شد که کار بدل به محور اساسی ورود به جامعه گردد . این تحول به ویژه بیشتر از انقلاب سبب آن گردید که تحول ریشه ای در رویکردهای خانواده ها نسبت به سرنوشت فرزندانش بویژه دختران بوجود بیاید . در این رویکرد جدید خانواده ها به این نکته پی بردند که در تحول آتی جامعه، زنان همچون مردان نیازمند برخورداری از آموزش هستند تا بتوانند زندگی خود را در مکانیسم ها پیچیده جامعه صنعتی مدرن به گونه ای مناسب مدیریت کنند.» « فکوهی، ۱۳۷۹: ۱۰۹ »

نقش فعالیت اشتغال زنان در توسعه اقتصادی

فعالیت زنان در توسعه اقتصادی ، تصمیم گیری های اقتصادی و مدیریتی جامعه در عصر حاضر یکی از توانمندی های این جنس می باشد. هر چند که در برخی از جوامع خصوصاً کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته به علل مختلف فرهنگی و اجتماعی چندان اهمیتی به این فرایند داده نشده است، اما در جوامع صنعتی این روند اجتماعی تأثیرات بسزایی بر جامعه گذاشته است ؛ این جوامع تا حد زیادی به دنبال تغییر روش های خود و همچنین به دنبال وضع قوانین جدید توانسته اند از توانمندی های جمعیت

زنان استفاده بیشتری ببرند و با مشارکت این جمعیت در اقتصاد جامعه، توسعه اقتصادی رشد شتابانی در جامعه پیدا کرده است. « امروزه در جوامع صنعتی زنان بیشتر از هر زمانی در گذشته اشتغال به کار دارند و برای کار خود نیز حقوق دریافت می کنند. مطالعات جهانی مربوط به نقش زنان در توسعه اقتصادی حاکی از این است که زنان به شکل بی سابقه ای در حال ورود به بازار جهانی کار هستند.....گفتنی است که یکی از ابعاد توسعه یا به عبارتی زیربنای توسعه مشارکت اقتصادی زنان در جامعه شناخته شده است. این باعث می گردد تا متوسط درآمد در خانواده افزایش یابد نسبت باروری به حداقل خود کاهش یابد و در نتیجه سطح زندگی خانواده از بهتری برخوردار گردد. » « شیخی، ۱۳۸۰: ۱۶۶ » [۷]

امروزه در ایران زنان شاغل نقش مهمی در عرصه توسعه اقتصادی خانواده ها و جامعه دارند تغییر ساختار ارزشی خانواده نسبت به فعالیت اشتغال زنان به این مسئله کمک شایانی کرده است. این تغییر از طریق ورود زنان جوان جامعه به عرصه آموزش عالی است؛ که یکی از پتانسیل های اساسی توسعه جامعه می باشد. تغییر ساختار نظام آموزشی، رشد و افزایش تحصیلات زنان در عرصه نظام آموزشی بر فعالیت اشتغال زنان تأثیرات شگرفی گذاشته است؛ در کنار این عوامل سایر نهادهای اجتماعی چون ایجاد بسترسازی مناسب نهادهای دولتی و حقوقی هم به روند افزایش گسترش اشتغال زایی زنان کمک بسیاری کرده است؛ حتی امروزه بعد از انقلاب اسلامی، در دهه اخیر برخی از پست های مدیریتی و نقش های سیاسی مهم در جامعه برای اینکه به اشتغال زایی زنان اهمیت داده شود در اختیار این قشر از جامعه گذاشته شده است، این فرایند جزء پتانسیل های اجتماعی و فرهنگی اشتغال زنان محسوب می گردد.

از سوی دیگر یکی دیگر از پتانسیل های اشتغال زنان، نقش آنان در توسعه صنایع کوچک است؛ که نقش اقتصادی ارزنده ای برای درآمد خانواده، خویشتن و توسعه حوزه عمومی کار جامعه داشته است. از بُعد دیگر « مشاغل زنان در بازارهای کار دومین تمرکز یافته است این بازارها شامل اشکال اشتغالی است که بی ثبات است تأمین شغل و دستمزد ه در آن اندک بوده و فرصت های کمی برای پیشرفت و ترفیع شغلی وجود دارد. شرایط کار غالباً نامناسب است » « گیدنز، ۱۳۷۳: ۵۴۶ »

بطور کلی زنان در جوامع صنعتی و رو به توسعه، یکی از مولد های اقتصادی به حساب می آیند؛ از طریق این نقش در جامعه های عصر حاضر زنان موقعیت خود را توانسته اند بهبود ببخشند. زنان با توجه به کار مرئی و نامرئی نقش بسزایی در تولید اقتصادی می توانند داشته باشند. این گونه اشتغال ها سهم عمده ای در تنظیم جهت، بهبود وضعیت جمعیتی، همچنین نقش بسزایی در دستیابی توسعه پایدار می توانند داشته باشد.

نقش فعالیت اشتغال زنان در توسعه اجتماعی

اشتغال زنان از نظر اجتماعی نقش بارزی در ارتقاء هویت زنان در عصر حاضر داشته است؛ و به عنوان یک نیروی اجتماعی و تأثیرگذار بر فرآیند توسعه اجتماعی بیان شده است. ویژگی مولد اقتصادی بودن زن از رموز موفقیت اجتماعی این جنس محسوب شده است که هم نقش مؤثری در امور اقتصادی خانواده و جامعه و هم نقش بارزی در تولید ناخالص ملی داشته است. همین امر باعث شده که در جوامع عصر حاضر حتی ایران دیدگاه اجتماعی نسبت به زنان بهبود یابد؛ اشتغال زنان به عنوان یک توانمندی خاص

سهام عمده ای در تنظیم جمعیت جوامع، و بهبود کیفیت زندگی اجتماعی خانواده داشته است، این عامل در توسعه پایدار جوامع و ترویج فرهنگ اشتغال زایی بسیار عنصر موثری است. اشتغال زنان در حوزه عمومی کار باعث شده که نقش بارزی این جنسیت در مشارکت اجتماعی جوامع داشته باشند، و جامعه از این طریق به سمت عدالت اجتماعی سوق می یابد. از دیگر نقش های اجتماعی اشتغال زنان، این است که این قشر می تواند حامی بسیار خوبی برای مشارکت در فعالیت های اقتصادی خانواده و همسرشان باشند؛ این حمایت منجر به کاهش باروری در خانواده شده، و نگرش های خانواده را نسبت به اینکه باید پسران یا مردان مولد اقتصادی باشند تغییر داده است.

امروزه خانواده ها به عنوان یک نیروی موثر، از اشتغال زنان حمایت می کنند و نهایتاً توانمندی اشتغال زنان هم تضمینی برای دوره سالمندی آنها می باشد؛ این امر موجب شده که نسلهای جدید و آینده هم به لحاظ اقتصادی و اجتماعی دارای تأمین بیشتری باشند و از سلامتی بالاتری برخوردار گردند؛ همچنین در چنین شرایطی بهبود نسل تحقق می یابد و متعاقب آن تشکیل خانواده ها مدتی دیرتر صورت می گیرد.

امروزه در جامعه ایران چنین فرآیندهای اجتماعی، با توجه عمیق به اشتغال زنان صورت گرفته است؛ و تغییرات اجتماعی بسیاری در خانواده ها شکل گرفته که روبه تکامل است. خانواده های ایرانی بعد از انقلاب اسلامی هویتی جدید و توسعه اجتماعی بیشتری یافته اند؛ زنان ایرانی که وارد عرصه بازار کار شده اند سن ازدواج خود را افزایش داده اند در نتیجه باروری کاهش یافته است، و کنترل آن بیشتر شده است؛ علاوه بر این هنجارها و ارزش های برابر، تقویت قدرت زنان در خانواده ها، دستیابی به استقلال مالی، گسترش سطح تحصیلات، سوادآموزی، و... موقعیت شغلی زنان را در جامعه تضمین کرده است؛ چنین مواردی جزء پیامدهای اشتغال زنان در توسعه اجتماعی جامعه محسوب می گردد.

موانع اشتغال زنان

تفاوت میان جنسیت مردان و زنان باعث شده که وظایف اجتماعی این دو جنس از نظر اشتغال یکدیگر متمایز باشند؛ این تمایز ناشی از موانع متفاوت است.

الف: موانع فیزیولوژیکی و شخصیتی

زنان به دلیل وضعیت فیزیولوژیکی و زیستی نسبت به مردان موقعیت متفاوت دارند، این تفاوت باعث شده که در امور اشتغال، کارهایی که از توانایی بیشتری برخوردار است به مردان سپرده شود، و این برداشت و نگرش از جامعه سنتی نشأت گرفته است که زنان «موجودات ضعیف ترند» و مردان باید بر آنها تسلط یابند. حتی این نگرش بر ذهن زنان جامعه هم رسوخ یافته، همین تصور و پیش داوریها، فعالیت زنان را محدود به امر تربیت بچه، خانه داری، تدارک امور حوزه خصوصی «خانه» یا کارهای مربوط به نگهداری اموال و کارهایی دستی و... در منزل کرده است، و از هر گونه امکانات آموزشی، رفاهی، تفریحی و رشد و ترقی آنان را سلب کرده است. این نگرش در حال حاضر هنوز در جامعه نیمه سنتی ایران رواج دارد؛ هر چند که جامعه شهری این موانع را تا حدی شکسته است اما هنوز رگه هایی از آن در جامعه شهری مشاهده می شود؛ و همانند جامعه اروپا این موانع کاملاً رفع نشده است. پس باید

اشاره کرد که « هر چند شرایط جسمی و روحی زنان ایجاب می کند فرزندانش را از مرحله کودکی تا بزرگسالی حمایت کند و پرورش دهد، این موضوع نمی تواند مانعی جدی برای اشتغال آنها ایجاد کند؛ مگر زمانی که با باورها و هنجارهای جامعه آمیخته گردد. » « سفیری، ۱۳۷۳: ۲۰۲ »

ب: موانع فرهنگی

بر اساس تفاوت های فیزیولوژی، موانع فرهنگی هم در قالب حقوق، وظایف شکل می گیرد؛ و این عقیده وجود دارد که مردان از زنان چه در زمینه های جسمی و چه در زمینه های استعدادها، روحیات و تفکرات توانمند تر هستند. در خانواده ها زن به مثابه موجودی است که تنها وظایف خاص مادری برای او در نظر گرفته شده است، بر اساس این مسئله در کل نظام اجتماعی هم بر اساس تفکیک، وظایف و تخصصی شدن، نقش زن در حفظ نظام خانوادگی و مبنای اجتماعی کردن فرزندان از اهمیت بسیاری برخوردار است. در فرهنگ جامعه ما فعالیت زنان، بر مناسبات خانوادگی اثر می گذارد؛ بر این اساس :

« ۱- استخدام تمام وقت زنان و مادر خانواده، اضطراب والدین را در مورد رفاه کودکان افزایش می دهد. بنابراین، در روابط زناشویی تأثیر منفی می گذارد. ۲- استخدام تمام وقت زنان، آنها را از انجام کارهای مربوط به خانه باز می دارد، ولو اینکه شوهران و فرزندان شان مقداری از مسئولیت خانه را بر عهده بگیرند، چون بخش اصلی کار خانه مربوط به خود زنان است. این امر در روابط آنها تأثیر منفی می گذارد و موجب تأثر خاطر زنان می شود. ۳- افزایش روز افزون مهد کودک ها و سایر سیاستهایی که برای رفع مشکل زنان شاغل به کار بسته می شود، هرگز از میزان خستگی جسمی، نگرانی و سایر اضطراب های روانی و احساسی در محیط کار نمی کاهند. بر اساس این ویژگیها در جامعه ما نقش مادری و همسری در درجه اول برای خانواده نسبت به نقش اشتغال اهمیت دارد؛ و حتی در نحوه اجتماعی شدن زنان از همان اوان کودکی کمتر به این مسئله نسبت به مردان توجه می شود. چنین روندی موجب عدم رشد و ترقی زنان از نظر تحصیلات، شخصیت و..... می گردد؛ فقدان این انگیزها در خانه پدیری همراه با انجام " کارهای خانه و ازدواج زودرس " و در خانه همسر به " دلیل وظایف همسری، مادری و خانه داری و تسلط شوهر " تداوم می یابد. » « سخاوت، ۱۳۸۰: ۲۰۲ »

از بُعد دیگر باید در تربیت اجتماعی دختران، نگرش های تحقیر آمیز را به جنس زنان کاهش داد، و تعصبات را در جوامع نسبت به ارزش زنان کمرنگ و حذف کرد. قالب های فکری و ذهنی سنتی که تأکید یک جانبه بر قدرت مردان در جامعه می کند باید تغییر داد؛ و به سمت حذف " جنس ضعیف " جامعه را سوق داد. آموزش در ایجاد و تقویت چنین قالب های ذهنی و فرهنگی سهم عمده ای دارد. این آموزش باید در جهت تغییر و دگرگونی ایستارهای ذهنی و حذف قالب های نقش سنتی زنان و ارائه سیمای مثبت از اشتغال زنان در جامعه جهت داده شود؛ و به ارائه تصویری مثبت از مشارکت زنان در خانواده، بازار کار و زندگی اجتماعی سوق یابد. این مسئله باید در بین والدین که اولین مربیان هستند، و با کودک بیشتر سرو کار دارند، تقویت گردد. حتی مدرسه بر شکل گیری چنین نگرشی نقش بسزایی می تواند داشته باشد. باید روند گذشته تبعیض جنسیت را در جامعه از بین برد، باید مشارکت اقتصادی و اجتماعی زنان که در جامعه پایین است، افزایش داد. این امر منوط به زمینه سازی فرهنگی و اجتماعی تمام نهادهای دولتی و خصوصی است تا بتوان به توسعه خانواده در جامعه از طریق اشتغال زنان کمک کرد.

توسعه آموزشی و گسترش دختران جوان به سمت آموزش و تحصیلات عالی در دهه های اخیر روبه افزایش می باشد این امر مشارکت اجتماعی و اقتصادی زنان در تولید فرهنگ جدید جامعه افزایش داده

است بر این اساس: « در حال حاضر در جامعه ایران توسعه آموزشی و گسترش تحصیلات دختران جوان برای راهیابی به مقاطع بالای آموزشی و تحصیلات عالی رو به افزایش است این امر منجر به مشارکت اجتماعی زنان در تولید فرهنگ جدید جامعه شده است و به این ترتیب در دو دهه اخیر شاهد افزایش تدریجی اما دایم نسبت به ورود دختران رده های سنی مختلف به نظام عالی آموزشی می باشیم به این تصور، که این نسبت در سالهای اخیر به حدود ۹۰ درصد رسیده است این ارقام نشان می دهند که در رده های پیش دانشگاهی فاصله ما با کشورهای توسعه یافته اندک است و در رده های دانشگاهی هم فاصله کمی خواهد و در عرصه مشارکت در بازار، زنان کم کم وارد عرصه عمومی شده اند هر چند که با ساختار جامعه های غربی فاصله زیاد داریم . » « فکوهی، ۱۳۷۹: ۱۱۰ »

ج: موانع اجتماعی

یکی از موانع اجتماعی اشتغال زنان مسأله آموزشی است باید بر روی این مسئله سرمایه گذاری خاصی کرد و زمینه را برای ارائه شغل مناسب، دستمزد کافی و فرصت رشد و خلاقیت در اشتغال با رفع کمبودهای آموزشی حل کرد .

باید در جامعه عصر حاضر به مادران و زنان جامعه هم نقش مادری و همسری، و هم نقش اشتغال زایی در عرصه عمومی جامعه آموزش داد؛ باید سایر اعضای خانواده را برای اینکه به زن و اشتغال او به عنوان یک پتانسیل اجتماعی، اقتصادی نگاه کنند آموزش های لازم را داد؛ و در جهت رشد و شکوفایی توانمندی های زن همت به خرج داد .

از دیگر موانع مشکلات، موفقیت است؛ در این زمینه باید زنانی که از نظر اشتغال موفق هستند خود را با دنیایی سازگار کنند که اصلاً متعلق به آنها نبوده است، مردان باید همسران کارمند خود را درک کنند؛ و برای رسیدن به موفقیت آنها با ایشان در عرصه وضعیت تحصیلی فرزندان، بیماری، مراقبت از فرزندان، نظم خانه و... با آنان همراه باشند تا خانواده ای موفق و سعادتمند باشند؛ ولی در این موفقیت مشکلات بسیاری وجود دارد .

از دیگر موانع اجتماعی تفکیک شغلی در جامعه است . در هر سازمان و محل کاری با توجه به جنسیت، کارکنان جدا از یک دیگر در حوزه های کاری فعالیت می کنند. در عرصه فعالیت های خدماتی و دفتری نیروهای زن بیشتر استفاده شده، در حالیکه در عرصه فعالیت حمل و نقل از این قشر کمتر استفاده می شود؛ که این مسئله ناشی از ویژگی های زیستی و فرهنگی قابل مطالعه است؛ بطور کلی زنان در عرصه اشتغال نسبت به دست یابی به مشاغل کم اعتبار سوق یافته اند، این سطح اعتبار شغلی تأثیر بر دستمزد آنان گذاشته است . در عرصه برخی از فعالیت های اشتغال، چون کارهای مهارتی و چابکی مانند لباس دوزی و ... زنان از تحمل زیادی برخوردارند، همچنین به دلیل انضباط و اطاعت بیشتر از مردان و توقع کمتر نسبت به افزایش دستمزد، بیشتر مورد استثمار و بهره کشی اقتصادی در حال حاضر جامعه قرار می گیرند.

از بعد دیگر با توجه به گرایش دختران و همسران جوان به فعالیت در حوزه عمومی کار منجر به این شده که برخی از خانواده های ایرانی موافق با این امر نباشند و تمایل چندانی به حضور زنان در این عرصه نداشته باشند و کارکردن در جامعه را نوعی بی هنجاری در نظر گیرند، و معتقد بر این باشند که حضور زنان در منازل برای تربیت و اجتماعی کردن کودکان، نگهداری از فرزندان، رسیدگی به امور تحصیلی فرزندان، پرداختن به امور روزانه زندگی و... بسیار مؤثرترست تا اینکه در بازار کار به فعالیت

مشغول باشند. از سوی دیگر حضور زنان در عرصه عمومی کار چون پرستاری، معلمی، کارمندی و ... منجر به این شده بود که این قشر جامعه به خود باوری برسد و هویت فرهنگی و اجتماعی خود را در جهت سعادت‌مندی خانواده از طریق آموزش های عالی و تخصصی و ورود به حوزه عمومی کار و بهره مندی از تجربیات دوره آموزشی ارتقاء دهد. چنین نگرش هایی در جامعه برای خانواده دو راهی را به وجود آورده است که منجر به بروز مسائل اجتماعی گردیده است که در پژوهش های اجتماعی بررسی عوامل شکل گیری این مسئله قابل بررسی است.

د: موانع اقتصادی

از مهمترین موانع اشتغال زنان کار بدون مزد در خانه است، که ساعت ها وقت خود را بدون دریافت مزد صرف نظم و تعدیل و اجرای مسئولیت های خانوادگی در خانه می کنند. اشتغال زنان در خانه به نوعی درآمد پنهان و نامرئی است هر چند که به زنان پول نمی دهند؛ ولی این پولی به جیب خانواده می رود، تا برای رفاه همه خرج شود. بر این اساس « باید کوشش هایی بیشتر می گردد تا کارخانه داری زنان به مشابه کاری که نقش مستقیم که اقتصاد پولی کشور و درآمد خانوار دارد شناخته گردد. این امر با توجه به اینکه حدود ۳/۴ زنان جامعه را خانه داران تشکیل می دهند در جهت زدودن باورهای غلط فرهنگی نسبت به کارهای خانگی و منزلت زنان و همچنان از لحاظ رشد و امنیت روانی و حقوقی و اقتصادی زنان خانه دارد و به خصوص از نظر تربیت فرزندان قابل توجه و حائز اهمیت است. » « آبوت - والا س، ۱۳۸۳: ۱۹۷ »

از دیگر موانع اقتصادی اختلاف سطح دستمزدهاست که به میزان فعالیت اشتغالی که زنان همپایی مردان در جامعه دارند تبعیض بسیاری در پرداخت دستمزدها وجود دارد؛ همچنین در تعدیل ساختار اشتغال در بخشه ای دولتی و غیر دولتی این ساختار ابتدا متوجه زنان است؛ و حتی زنان برای اداره خانواده ممکن است بصورت نامرئی فعالیت هایی را انجام دهند « در هر جا حقوق زنان کمتر از موطن است به علاوه مردان بیشتر بصورت تمام وقت کار و منفعت بیشتری نیز کسب می کنند اما سنجش میزان تفاوت و چگونگی تغییر آن به دلیل اطلاعات محدود و طبیعت کار جدا و تفکیک شده مشکل است. » « سفیری، ۱۳۸۳: ۲۱۹ »

از دیگر موانع، نوع مشاغل است. بیشتر زنان دارای مشاغل زنانه هستند. این مشاغل به دلیل هجوم زنان و تعداد افزایش کارگران از سطح دستمزد پایین تر از سایر مشاغل بر خور دار است. و حتی به دلایل خاصی چون بحران اقتصادی معمولاً کار را می توان تعطیل کرده و زنان را از کار اخراج کرد. زنان بطور بی سابقه در مشاغلی که بیرون از حومه شهر قرار دارند، فعالیت می کنند یا بیشتر در مکان های خدماتی ساعات متمادی را فعالیت می کنند؛ و اصلاً درآمدشان مشخص نیست و آینده شغلی و استخدامشان نا پایدار است و غیر قابل پیش بینی می باشد.

نتیجه گیری

امروزه توانمندی های اشتغال زنان در عرصه توسعه اجتماعی و اقتصادی نقش بسزایی ایفاء می کند؛ و ساختار جوامع حتی ایران را هم تغییر داده است؛ این ساختار در دهه های اخیر موجب تغییر نظام ارزشی و فرهنگی جامعه گردیده است، و پایگاه اجتماعی زنان را تغییر داده، و هویت جدید به زنان داده است؛ و رابطه جدید اجتماعی میان اعضای خانواده بوجود آورده است.

نقش مادری، تربیت فرزندان، رسیدن به امور خانه و خانواده تعدیل یافته؛ ساختار سنتی و فرهنگی خانواده ایرانی بسیار تغییر کرده است. عرصه حوزه عمومی جامعه وارد ساختار جدیدی شده است؛ که زنان به دنبال ابراز هویت و نیاز عاطفی خود در آن جامعه بوده اند بر این اساس اشتغال یک عنصر مهم برای دختران و زنان جامعه برای ابراز هویت جنسی گشته است.

توسعه اقتصادی بدون مشارکت اشتغال زایی زنان در حال حاضر میسر نیست؛ و یکی از راه های گسترش ناخالص درآمد ملی جوامع از طریق افزایش و گسترش فعالیت های اقتصادی زنان در عرصه حوزه عمومی کار جامعه همپای مردان شکل می گیرد. یکی از راه های بسترسازی اشتغال خصوصی و همچنین توسعه صنایع کوچک از طریق شکل گیری و اهمیت به توانمندی های زنان در عرصه فعالیت ها و مشارکت های اقتصادی شکل می گیرد؛ حتی برخی از پست های مهم مدیریتی جامعه که می تواند نقش بارز در توسعه سیاسی جامعه داشته باشد از طریق توسعه اشتغال زایی، و معتقد بودن به توانمندی های زنان شکل می گیرد. از بعد دیگر اشتغال زنان به کنترل جمعیت کمک می کند. آموزش های تخصصی و تحصیلات برای کسب هویت و ارزش نسبت به دهه های گذشته از اهمیت ویژه ای در اشتغال زنان داشته است؛ در دهه های اخیر رشد چشمگیر حضور زنان در عرصه آموزش های تکمیلی و عالی بسیار مهم بوده است. بهبود نگرش های خانواده نسبت به فعالیت زنان در عرصه حوزه عمومی کار، بهبود نسل، کاهش باروری و تضمین دوره سالمندی ابراز هویت های اجتماعی و گسترش مشارکت اجتماعی از دیگر توانمندی های اشتغال زایی زنان خصوصاً در عرصه توسعه اجتماعی است.

با این حال یکسری از موانع هنوز در جهت گسترش اشتغال زایی زنان وجود دارد؛ برخی از این موانع فیزیولوژیکی و شخصیتی است که ناشی از ویژگی های بیولوژیکی و زیستی است. برخی از موانع فرهنگی است؛ که تحت تاثیر موانع فیزیولوژیکی قرار دارد؛ و به نوعی نگرش مسلط خانواده را با تأکید بر قدرت، که در دست مردان است، توجه به اهمیت نقش توانمندی زنانه در بخش اشتغال کم اهمیت است. موانع اجتماعی چون عدم توجه به آموزش، تفکیک شغلی در جامعه هم از دیگر محدودیت های اشتغال زنان است. موانع اقتصادی مهم چون نابرابری دستمزدهای اشتغال زنان با مردان، بهره کشی و استثمار از توانمندی های زنان در عرصه کار بدون توجه به دستمزد شکل گرفته است و اختلاف دستمزدها را می توان در عرصه حوزه عمومی کار بر اساس این نابرابری مشاهده کرد. عدم توجه به نوع مشاغل، ناپایدار بودن فعالیت اشتغال زنان در بخش های اقتصادی و کار، و عدم تضمین آینده شغلی از دیگر موارد موثر در شکل گیری موانع اقتصادی است. بطور کلی شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جامعه ما ایجاب می کند که با توجه به عناصر ساختاری نظام فرهنگی و براساس نیاز به استفاده بهتر از این نیروی عظیم انسانی زنان نه فقط بصورت رسمی و به شکل استخدام اداری، بیشتر به صورت استفاده از وقت های اضافی روزانه آنها در کارگاه های تولیدی و منطقه ای، شوراهای محلی و فعالیت های مختلفی ضمن درآمدزا بودن، در جهت رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه اند تأمین شود. این امر با توجه به جایگاه زن در فرهنگ اسلامی می تواند به تعادل ساختاری خانواده کمک کند؛ و جامعه را از پیامدهای برخی از آسیب های اجتماعی حفظ کند.

پیشنهادها

با توجه به مباحثی که در مقاله بیان شد؛ یکسری راهکار برای توسعه و حل موانع اشتغال زایی زنان از بعد اجتماعی و فرهنگی پیشنهاد می گردد.

الف: ارائه آگاهی و اطلاعات به افراد جامعه از سوی سازمان ها ، نهاد های اجتماعی ، غیر انتفاعی و رسانه های جمعی در مورد جایگاه ویژه اشتغال زایی زنان در رشد و توسعه اجتماعی ، اقتصادی خانواده و جامعه

ب: بستر سازی فرهنگی و اجتماعی مناسب برای تغییر نگرش خانواده و جامعه نسبت به ورود اشتغال زنان به عرصه عمومی حوزه کار از طریق برنامه ریزی دولتی و بخش خصوصی از طریق حوزه های آموزشی، تبلیغی، رسانه ای و...

پ: ایجاد و راه اندازی رشته های تخصصی و آموزشی برای حضور زنان در حوزه اشتغال از سوی مراکز آموزش عالی و فراهم نمودن حوزه های کاری متناسب با این رشته ها از سوی دولت و بخش خصوصی در جامعه.

ت: ترویج ارزش ها و هنجار های اسلامی و ایرانی در میان افراد جامعه برای تسهیل نمودن ورود زنان به حوزه عمومی کار.

ث: ایجاد انگیزه در میان زنان و دختران جامعه برای بهره مندی از آموزش های مستمر و مداوم در حوزه عمومی اشتغال زایی.

ج: تشویق و ترغیب خانواده به همکاری و همیاری با زنان شاغل در منازل و حوزه خصوصی، برای اداره امور زندگی.

ح: ایجاد انگیزه و مشاوره از سوی اعضای خانواده، رسانه های جمعی، سازمان ها و نهادهای اجتماعی به زنان و دختران جامعه برای ورود به عرصه عمومی کار و اشتغال.

خ: پرورش خود باوری و ارزش هایی که موجب برانگیختن حضور فعال و مستمر حضور زنان در حوزه مشارکت اقتصادی و اجتماعی جامعه از طریق اشتغال زایی می شود.

ط: حذف نگرش های منفی به حضور زنان در حوزه عمومی کار و فعالیت های اشتغال زایی در جامعه از طریق برنامه ریزی های فرهنگی و اجتماعی از سوی بخش دولتی و خصوصی.

د: ایجاد عدالت و برابری و نظارت بر نحوه در آمد و دستمزد و... در فعالیت های اشتغال زایی زنان همپای مردان .

ذ: اهمیت و ارج گذاشتن به کار منزل به عنوان یک فعالیت اجتماعی برای گذاران امور زندگی و سعادت مندی خانواده در دستیابی به موفقیت.

منابع

۱- آبوت ، پاملا - والاس ، کلا ، (۱۳۸۳)، «جامعه شناسی زنان» ترجمه منیژه نجم عراقی ، نشر نی ، تهران ،

۲- توسلی ، غلام عباس ، (۱۳۷۵)، «جامعه شناسی کار و مشاغل» نشر سمت ، تهران .

- ۳- توکلی، نیره، (۱۳۷۴)، «جامعه‌شناسی صنعتی» انتشارات پیام نور، تهران.
- ۴- ساروخانی، باقر، (۱۳۷۵) «جامعه‌شناسی خانواده» انتشارات سروش، تهران.
- ۵- سخاوت، جعفر، (۱۳۸۰)، «وضعیت اشتغال زنان در ایران» نامه انجمن جامعه‌شناسان، ویژه‌نامه دومین همایش مسایل اجتماعی ایران، شماره ۵، تهران.
- ۶- سفیری، خدیجه، (۱۳۸۳)، «مسائل اجتماعی بنام اشتغال زنان» مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران، دانشگاه علامه، تهران.
- ۷- شیخی، محمد تقی، (۱۳۸۰)، «جامعه‌شناسی زنان و خانواده»، شرکت سهامی انتشار، تهران.
- ۸- فکوهی، ناصر، (۱۳۸۱)، «از فرهنگ تا توسعه»، نشر فردوس، تهران.
- ۹- فکوهی، ناصر، (۱۳۸۱)، «تاریخ اندیشه و نظریات انسان‌شناسی» نشر نی، تهران.
- ۱۰- گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۵)، «جامعه‌شناسی» ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران.
- ۱۱- میشل، آندره (۱۳۷۹)، «جنسیت اجتماعی زنان» ترجمه هما زنجانی زاده، نشر نیکا، مشهد.
- ۱۲- نرسیسانس، امیلیا، (۱۳۸۴)، «مردم‌شناسی جنسیت» نشر میراث فرهنگی، تهران.

محمد حسن شربتیان- عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور

sharbatian@pnu.ac.ir